ولی احمد نوری ۲۰۱۲/۱۰/۱۰

شیخ جمال الدین افغان

« اِرنیست رونان » (Ernest Renan) نویسنده، فیلسوف و مؤرخ بزرگ فرانسوی در سالهای ۱۸۸۵م (معاصر سید) در وصف او نوشته است:
«زمانیکه با سید جمال الدین افغان هم صحبت می شدم، حریت افکار و طبیعت نجیب و درست او، مرا به این اعتقاد وامیداشت که من در برابر خودم یکی از آشنایان قدیم خویشتن را دارم. با حضور سید افغان و سخنانش تصور میکردم «ابن سینا» یا «ابن رشد» یکی از آن آزاد مردان دنیا را می بینم که روح انسانیت بوده اند.

بخش بیست و هشتم

دعوت به سوی اصلاح و تجدد

از کتاب شیخ جمال الدین افغان «حکیم مشرق زمین»(۱)

تخلیص، تصحیح و دوباره نویسی از ولی احمد نوری

با اتحاد هرسه دین (اسلام، مسیحیت و یهودیت) جامعهٔ بشری گام بزرگی در راه صلح و سلام گیتی برخواهد داشت.

شیخ جمال الدین افغان به مساوات میان افراد بشر و مؤمنین معتقد بود و کار و عمل را برای خیر و عافیت نوع انسانی ستایش می کرد. شیخ افغان مخالف با بی اتفاقی در دین بود. او به این عقیده تمایل داشت که هر سه دین (اسلام، مسیحیت و یهودیت) در مبداء و هدف، عقیده و توحید خدای یگانه اتفاق کامل دارند. شیخ افغان همیش این آرزو را در سر می پرورانید که اگر پیروان این سه دین آسمانی میان خود متفق شوند چنانچه هر سه دین در جوهر و ماهیت و هدف خود متحد و متفق اند، به یقین که ابنای بشر و جامعهٔ انسانی گام بزرگی در راه صلح و سلام جهان بر خواهد داشت.
شیخ جمال الدین افغان می گوید: «یک تن از اعضای پارلمان هند از من در رابطه به چیزهایی پرسید که وی آنها را شک و شبهه می نامید. او میخواست در عقیدهٔ اسلامی اش خلل و تردید بیاورد و در نزول قرآن منحیث کلام خداوند شک کند، که مهمترین این شبهات او عبارت بودند از»: " اگر قرآن کلام الهی است و این قول (و دِینُ الحَق لِیظهَرَه عَلی الدِین کُلـَهُ و لوکره تامسرکون)(۲).ترجمه: "و این قول از اوست و حق است" پس چرا اسلام در این عصر خیلی عقب مانده و رو به انحطاط می رود و با این آیت مخالفت صریح دارد. اعتراض او به درازا کشید تا اینکه پایان یافت. من برایش گفتم: « نیک بدان و آگاه باش که هر دین آسمانی حق و اسلام نام یک دین است مسمای آن حق است، پس اگر نزد تو شخصی بیاید که نامش عالِم است اما او در حقیقت مرد جاهل است آیا پس تو به مجرد شنیدن این نام که با مسمی انطباق ندارد از علم و فضیلت مسمای آن انکار می ورزی و می گویی : نام این شخص عالِم است اما وی مردی است جاهل پس علم فضیلت ندارد. اگر نزدت ملیون ها بنام اسلام بیایند چنانچه در این عصر چنین است و آنها حقوق اسلام را بجا نمی آورند پس آیا سزاوار و مناسب است که به اثر مخالفت اسم با مسمی از فضیلت مسمی، اسلام و حقیقت آن منکر شد؟ اینطور نباید اندیشید. ازهمین جهت خداوند فرمود: "و دِینُ الحَق لِیظهَرَه ..." و نگفت :
" من تسمی بدین السلام لیظهره" یعنی کسیکه خود را به اسلام نسبت میدهد این دین را بر دیگر ادیان پیروز میگرداند و یا به عبارت دیگر هر کس از مسلمانان که به این دین گردن نهاد و حق آنرا بجا آورد روی صحنهٔ زندگی ظهور کرد و تاریکی ها را روشنی بخشید و عدالت را بر روی زمین گسترانید، این ظهور بخاطر حق و حقیقت بود. زیرا اسلام نام مجرد و بدون محتوا نیست و این پسمانی که امروز مسلمانان به آن دست و گریبان اند هیچ رابطه به حقیقت دین اسلام ندارد، بلکه ناشی از نادانی و بی علمی مسلمانان است که حقیقت دین خود را ندانسته اند و در این آیت که خداوند می فرماید: " (و دِینُ الحَق لِیظهَرَه عَلی الدِین کُلـَهُ) این مفهوم را بدست ما میدهد که بعضی از کل وجود دارد زیرا تمام ادیان یک کل بوده و اجزای آنرا دین موسی و عیسی و اسلام تشکیل میدهد، پس هر کسیکه منسوب به این ادیان بوده و حق آنرا بجا آورده غلبه و حاکمیت نصیب شان گردیده زیرا غلبهٔ وعده شده برای دین همانا دین حق است نه بنام دین یهود و نصارا و اسلام. وقتی مهمل گذاشته شوند و نام های مجرد باشند پس کسیکه حق دین اسلام

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

را بجا می آورد گویا به دین خالص چنگ زده است. خداوند می فرماید: (اِنا اَنزَلنا اِلَیکَ الکِتاب بالحَق فاعبدالله مخلصاً لَهُ الدِین الاالله الدین الخاص) (۳).
شیخ جمال الدین افغان به این عقیده رسید که ادیان دو نوع میباشند: نوع عبادات و نوع معاملات(۴) عبادات را انسان برای خدایش انجام میدهد و این یک عمل انفرادی است و نباید دیگری را مورد اعتراض قرار دهد و نه هم خودش در ادای آن عبادات مورد اعتراض قرار بگیرد، زیرا هر کس به جهتی رو آورده به عبادت می پردازد و خداوند پروردگار تمام عالم است. تنها خداوند یهود یا نصارا و یا مسلمانان نیست. "خداوند آفرید شما را از یک نفس" و معاملات قانون عام بوده در حق همه یکسان قابل تطبیق است و تمام طوایف و گروه ها تشویق می گردند که همه باید برای خیر و سعادت وطن شان دست بدست هم داده و متحدانه باهم همکاری نمایند. شیخ جمال الدین افغان آرزو داشت این هر سه دین را باهم متحد گرداند و برای تطبیق این رأی و نظرش برنامه ای ریخت و از پیروان ادیان و گروه های مختلف دعوت نمود که در اتحاد و اتفاق این سه دین همت گمارند. اما دیری نگذشت که با کمال تأسف پی برد که مانعی در راه این هدف بزرگ وجود دارد و مانع را فرقه ها و گروه های ایجاد کرده اند که کوشیده اند از ادیان دوکان های خرید و فروش ساخته و هر طایفه مانند معدن طلا و نقره در آید که البته سرمایهٔ این مال تجارتی آن خواهد بود که پیروان ادیان در دین اختلافات دینی، گروهی و مذهبی را دامن زدند چنانچه «معری» شاعر گفته است: «گاهی اتفاق می افتد که شخصی به پا می خیزد دوکان تجارتی را می گشاید و من دوکانی را در امور دین گشوده ام.»
تو از دینت بــاز ِ شکاری ساخته ای تا با آن به شکار بپردازی در حالیکه مالکان این بــاز شکاری هرگز پیروز نخواهند شد.
دیری نگذشت که شیخ افغان پی بُرد که: « هر کس در برابر تفرقه افگنی و رد ِ اختلافات قیام کند و اندیشه های مردم را به لزوم ائتلاف و همبستگی تنویر و آماده گرداند تا به حقهٔ اصول دین بازگردند. چنین دعوتگری نزد آنها طوری معرفی می شود که رزق و روزی تاجران دین را از میان برمی دارد و متهم به کفر و الحاد گردیده از چوکات دین بیرون شده به صفت تفرقه افگن و رخنه وارد کردن در صفوف آنها شناخته می شود. . .» اما این تهمت ها نمی تواند او را لحظهٔ از طی منزل برای مبارزه در این راه باز دارد. (هدف شیخ افغان از این علماء، علمای سوء اند که به علم خود عمل نکرده اند، به ماجرا جویی می پردازند. مترجم)
کسی که تفرقه را میان یهود و نصارا و مسلمانان انکار می ورزد حتمی می خواهد هر سه دین توحید گردد.(۵) چنین شخصی با این عقیده بطور لزومی می خواهد که مذهب واحد اسلام به شیعی و سنی تقسیم نگردد و منکر تقسیم مسلمانان به سنی و شیعی است و میکوشد اسباب خلاف نزد آنها از میان برداشته شود. وقتی اختلاف جدی محسوس گردد زیرا چنین شخص به این عقیده است که اختلاف جذری و عمیق موجود نخواهد بود بلکه وی می اندیشد که پادشاهان اهل سنت (۶) کسانی بودند که موضوع شیعه را بزرگ جلوه داده تا مردم عوام را به اوهام عجیب و غریب که به شیعه، طرفدار اهل و بیت رسول الله(ص) منسوب کرده اند مشغول بگردانند تا به این وسیله زمینه ای مساعد گردد که : « مسلمانان میان خود در گیر شوند و شیعه و سنی همدیگر را بکشند در حالیکه همهٔ آنها به قرآن و رسالت رسول الله (ص) مؤمن و معتقد اند.
شیخ جمال الدین افغان می گوید: «موضوع برتری امام علی و پیروزی او در جنگ با معاویه (رض) که در برابرش بی اطاعتی کرد، اگر این برداشت را بپذیریم که اختلاف در آن زمان مفید بود و یا انتظار اثباق حقی را از آن کشیدگی داشت و یا باطلی را از میان برد، طوریکه مشاهده می کنیم وجود و بقای چنین نعره و استناد به این قضیه که در مرور زمان آمده و وقت آن سپری شده و همه از دنیا رفته اند احیای دوبارهٔ آن ضرری بیش نیست و وحدت امت اسلامی را بهم می زند.»
همچنان شیخ افغان عقیده دارد که: « اگر اهل سنت امرور به اجماع با فضیلت علی از نظر شیعه از عرب گرفته تا عجم موافقه کرده اقرار و اعتراف نمایند که علی ابن ابی طالب پیش از ابوبکر (رض) به احراز خلافت اولویت داشت آیا با این اقرار و اعتراف مقام و منزلت عجم بلند می شود و حالت شیعه بهبود می یابد؟ و اگر شیعه سخن اهل سنت را مبنی بر احراز مقام خلافت توسط ابوبکر (رض) بپذیرند و حق بدانند، آیا چنین اعترافی می تواند سبب نجات مسلمانان سنی از خواری و ذلتی گردد که موجودیت آنها را با خطر نابودی روبرو ساخته است؟»
سپس شیخ افغان گفتار خویش را فشرده ساخته می گوید: «آیا آن زمان فرا نرسیده که مسلمانان آگاه شده از این غفلت بخود آیند و از این مرگ بی موقع و تدریجی گریبان خویش را خلاص کنند؟ ای مردم با ایمان! سوگند به حق که امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب از عجم – مردم فارس – و از عموم پیروان شیعه زمانیکه با اهل سنت در گیر جنگ شوند و یا از آنها بخاطر بخشیدن فضیلت علی بر ابوبکر راضی و خوشنود نخواهد گشت و به این شیوه و طرز فکر آنها نمی توانند زندگی شانرا نظم و نسق ببخشند و مردم می کوشند زندگی شانرا سر و سامان بدهند. همچنان ابوبکر (رض) راضی نخواهد بود که اهل سنت به دفاع از وی بپردازد و یا با شیعه به سبب این فضیلت که عصر و زمان آن گذشته در گیر جنگ شوند و این طرز دید، متناقض با روح قرآن بوده که دستور می دهد مسلمانان باید برای همدیگر دیوار استوار و محکم باشند.»

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

شیخ افغان گام فراتر نهاده می کوشد میان دین و علم توفیق بیاورد و این کار را یک نیاز مبرم میداند و از ضروریات و لابدی ها می شمارد و می گوید: «دین گاهی واقعیت های علمی را رد نمی کند و اگر در ظاهر امر دین با این حقایق علمی متناقض واقع شود باید دستور دین تأویل گردد.»(۷) و در جای دیگر می گوید: « پس چگونه آواز افسوس بلند نکنیم و وا اسفا نگوئیم، وقتی شخصی را می بینیم که در صدد تفسیر قرآن بر می آید، و مشاهده می کنیم که تمام اهتمام و توجه خود را به (ب) بسم الله بکار میگیرد و به آن خیلی عمیق شده و در بحث و تحقیق آن فرو می رود و از محدودهٔ مخرج حرف (ص) الصراط (۸) بیرون نمی شود و طوری در موضوع می پیچد و آنرا مغلق می گرداند که خودش و هم کسی که این تفسیر را می خواند در یک حیرت عمیق لا طائل فرو می رود در حالیکه باید از قرآن مجید که دارای منافع سترگ دنیوی و اُخروی بوده و هر دوی این منافع را بطور کامل در بر دارد استفادهٔ اعظمی برده شود.»

جهل و نادانی همه جا را فرا گرفته و تحجر فکری و جمود آن عام گشته تا جایی که دامنگیر کسانی شده که لباس عالم به تن دارند. اینها تا سرحدی پیش رفته اند و گفته اند که قرآن مخالف و مناقض حقایق علمی و ثابت است. در حالیکه قرآن مجید چنین ادعایی را مردود می شمارد.

علم کرویت زمین (۹) را به اثبات رسانیده و به چرخش آن نیز عقیده دارد و این یک واقعیت است و حقایق ثابت علمی آنرا به اثبات می رساند و با قرآن مجید هیچ نوع تناقض ندارد، بلکه موافق است(۱۰) و قرآن مجید با مقام ارجمندی که دارد بزرگتر از این است که با حقایق علمی به مخالفت برخیزد، بخصوص در کلیات علوم. وقتی ما در قرآن مجید حکم صریحی نمی یابیم که با علم و کلیات آن همآهنگی دارد اشارهٔ قرآنی کفایت کرده از تأویل کار گرفته می شود زیرا نمیتوان پذیرفت که علوم و اختراعات در قرآن به کلمات صریح و واضح پیش بینی شده در حالیکه در زمان نزول وحی آن اکتشافات مجهول بوده و پیدا نشده اند، بلکه معدوم بوده اند. واضح است که شیخ جمال الدین افغان عقیده دارد که قرآن با مشکلات عصر و زمان همآهنگی دارد و نیازمندی عصر و زمان را با روح مدنیت آن درک نموده پس باید از تأویل کار گرفته شود و طوری تفسیر گردد که با این نیازمندی ها در تناقض واقع نشود. وقتی شیخ افغان از تأویل آیات قرآن صحبت می کند هدفش بصیرت و توانایی در تأویل است نه اجتهاد کورکورانه و تقلید محض که در گذشته به چشم می خورد ولی با آنچه مفسرین قدما گفته اند نیز سر جنگ ندارد.

روزی در مجلس شیخ افغان قول و فتوای قاضی عیاض مطرح بحث قرار گرفته و راویان فتوا به آن تمسک ورزیدند. در این اثنا شیخ جمال الدین افغان بعد از سبحان الله گفت: « قاضی عیاض مطابق به فهم و برداشت عقل خود که با عصر و زمانش همآهنگی داشت همین سخن را گفت.(۱۱) آیا دیگری حق ندارد سخنی بهتر از او بگوید؟؟ که بحق نزدیکتر و خوبتر از فتوای دیگران است. وقتی قاضی عیاض و مردمان مانند او بخود حق می دهند که با اقوال پیش از خود مخالفت ورزند و استنباط کنند و چیزی بگویند که با عصر و زمان آنها همآهنگی دارد، چرا ما نتوانیم چیزی بگوئیم که با عصر و زمان ما همآهنگ است.»

برایش گفته شد که این سخن به اجتهاد نیاز دارد و باب اجتهاد نزد اهل سنت مسدود است زیرا شرایط آن مفقود است. شیخ افغان نفس بلندی کشید و گفت: « این لفظ که می گویند باب اجتهاد مسدود است چه معنی و مفهوم دارد؟ و به کدام حکم و دستور باب اجتهاد مسدود گشته است؟ و کدام پیشوای دین چنین فتوایی را صادر کرده است؟ که: { بعد از من هیچ کس حق ندارد اجتهاد کند! و در دین فقیه و دانشمند شود! و به قرآن و حدیث صحیح هدایت نصیب او گردد! و یا بکوشد در پرتو معلومات قرآن و حدیث بر معلومات خود بیفزاید و به قیاس چنگ زده علوم عصری و نیازمندی های عصر و زمان را با رعایت احکام آن در نظر بگیرد!}.(۱۲)

حضرت خداوند (ج) محمد مصطفی (ص) را به حیث پیامبر بزبان قوم عربش فرستاد تا آنها را آنچه نمی دانند تعلیم بدهد و از او بیاموزند. چنانچه خداوند می فرماید: «و ما ارسلنا من رسول اِلا بلسان قومه»(۱۳) و نیز فرمود: «انا انزلنا قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون»(۱۴)

و قرآن مجید برای فهم معانی آن فرستاده شده تا انسان عقل و تدبیر خود را بکار بیاندازد و معانی آنرا درک نموده، احکام و مرادش را بداند.

شیخ جمال الدین افغان به این عقیده بود که: «کسیکه زبان عربی را میداند و عاقل است نه دیوانه و مجهول الحال و با سیرت سلف آشنایی دارد و شیوه های استفاده از اجماع را بخوبی بلد است، میتواند از احکام قرآنی و احادیث صحیح بخوبی استفاده کند.» همچنان شیخ افغان معتقد بود که : « هر کسیکه از نص احکام شرعی و حدیث صحیح و قیاس آگاهی کامل دارد و بداند که تحقیق این شرایط می تواند در احکام قرآن به اجتهاد و ابراز نظر بپردازد میتواند در صدور فیصله و احکام از حدیث و قیاس استفادهٔ سالم نماید.»

این بود دعوت دینی شیخ افغان که یک دعوت تجدید طلبانه مبنی بر اجتهاد و پاکی دین از بدعت ها، خرافات و تفسیر های بدون محل که شرع و زبان عربی آنرا برداشت کرده نمی تواند. این دعوت تجدید با زندگی در حال ترقی و پیشرفت همآهنگی کامل داشت و کوشش و پیشرفت و ابتکار را مژده می داد و از جمود و تحجر فکر و

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

اندیشه که در بعضی شروح احکام دین و متون شماری از مفسران که به حقیقت نص و روح شرع پی نبرده اند بر حذر می دارد.
استاد عبدالقادر مغربی (۱۵) روایت کرده می گوید: «این شیخ جمال الدین افغان بود که برای من ضرورت ایجاد جنبش تجدید طلبانه را در دین بیان کرد که این جنبش تجدید طلبی با جنبش «مارتن لوتر» بنیان گذار جنبش پروتستان(۱۶) در اروپا شباهت خواهد داشت.
هدف شیخ جمال الدین افغان از این سخن این است که در نهاد و بینش وعقل بعضی از مردم عوام و همچنین بعضی خواص آنها این عقیده جا گرفته که آنها تعدادی از عقاید دینی را با نصوص شرعی آن به شیوهٔ واقعی آن درک نکرده اند. چنانچه از قضاء و قدر طوری برداشت کرده اند که احکام و دساتیر قضاء و قدر بر آنها الزام کرده که از جا نجنبند و ترقی و پیشرفت نخواهند و غبار ذلت و دون همتی را از خود دور نکنند. همچنان از بعضی احادیث نبوی برداشت نادرست کرده و آنها را از سعی و تلاش باز میدارد مانند اصلاح حال و کسب پیروزی و مانند آنها...
پس باید عقاید دینی مطابق برداشت سلف میان عوام مردم تبلیغ و به شیوهٔ مناسب شرح داده شود تا مردم بخوبی بتوانند از مزایای آن برای دنیا و آخرت خویش استفاده و استفاضه (*) ببرند و نباید این تعلیمات را مانند علم نحو و بلاغت پنداشت که انسان بخش اعظم عمر خود را در راه تعلیم آن صرف می کند. اما نمی تواند یک مقاله به زبان عربی بنویسد که بتواند تعبیر از اراده و قصد او بکند.
شیخ جمال الدین افغان جد و جهد بکار می بست تا مسلمانان را از تقلید کور کورانه که هیچ رابطه به عقل، یقین و اخلاق ندارد آزاد بگرداند چنانچه داکتر عثمان امین در بارهٔ تبلیغ و دعوت دینی او می گوید: « جنبش های اصلاحی در اسلام پیش از عصر شیخ جمال الدین افغان فاقد تجدد طلبی بودند و اصلاح طلبان بیشتر بر این نکته تأئید می کردند که مسلمانان بخاطری خوار و دلیل شدند که در تطبیق شریعت اسلامی اهمال ورزیده فروگذاشت کردند و به زندگی ساده و بدون تکلیف صدر اسلام توجه نکردند، اما شیخ جمال الدین افغان در صدد علاج درد برامد و برای آن دوایی سنجید و از روشنفکران مسلمان طلب نمود که حالت زبون مسلمانان را مورد ارزیابی و بررسی قرار بدهند و نهضت دینی جدیدی را بر مبنای تجدد پسندی که با شرایط و مقتضیات عصر و زمان همآهنگ باشد ایجاد کرده به راه بیاندازند و به مردم آگاهی بدهند که اگر اسلام به معنی و مفهوم واقعی آن شناخته شود انسان می تواند در زندگی عملی و خواسته های بلند بالای نفس انسانی هم آهنگی بیاورد.»
با این همه و غیره مواردی که در آینده خواهد آمد همان اموری است که اشخاص دارای اندیشه های متحجر که عقاید دینی را برای همیشه با حقایق علمی به جنگ و ستیز واداشته اند و بر هر متفکر آزاد و تجدد طلب و مجتهد مهر و تاپهٔ زندیقیت و الحاد زده اند و به این ترتیب جنایت بزرگی را در برابر اسلام مرتکب شدند و در انحطاط سیاسی و اجتماعی مسلمانان نقش بزرگی ایفا کردند که امروز مسلمانان به آن دست و گریبان اند.

(*) استفاضه یا استفاضة کلماً عربی است به معنی فیض بردن . استفاضه از عالم باطن در استعداد همه آدمی است. و استفاده به معنی بهره بردن است.

****

(۱) این کتاب اثر استاد قدری قلعچی میباشد در سال ۱۳۸۱ شمسی توسط جناب عبدالواحد نهضت فراهی ترجمه و تألیف گردیده و از طرف انتشارات میوند چاپ شده است.{و ن}
(۲) سورهٔ "صف" آیت ۹ (ترجمه : خداوند دین حق را فرستاد تا آنرا بر سائر ادیان غالب و پیروز بگرداند گرچه کافران بد پندارند.)
(۳) سورهٔ "زمر" آیات ۳ و ٤ (ترجمه : هر آئینه ما بسوی تو فرستادیم قرآن را بحق، پس خداوند را پرستش کن و دین را برای او خالص بگردان. آگاه باید بود که خاص برای خداوند دین خالص است.)
(٤) خاطرات شیخ جمال الدین افغان ص ۸۲ و مابعد آن.
(٥) مقصود شیخ جمال الدین افغان از توحید ادیان سه گانه همانا خداند را بدون شریک پرستش کردن و به او شریک نگرفتن است که هر سه دین از این ناحیه متحد و متفق اند، که نباید عیسی را پسر خداوند دانست و به اقنوم ثلاثه : خدا – مریم و عیسی معتقد بود. {مترجم}
٦. شریعتی بسیاری از مفاهیم اساسی مکتب تشیع را به میدان نقد و بررسی کشاند. پس به برداشت خاص او از کلمهٔ "امام" اشاره کردم که در جایی از نوشته هایش می گوید: «در تلقی مسلمانان شیوهٔ امام بصورت موجود مقدس و نمیه الهی درآمده است. موجودی که به یادش اشک می ریزند و یا از بردن نامش بخود می لرزند اما هیچ تأثیری بر اعمال وکردار و اقعی و جهت زندگی آنها ندارد.

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

شریعتی برداشت کاملاً جدید از نظریهٔ انتظار ظهور امام زمان که بصورت بهانهٔ برای معطل ماندن و اتخاذ مواضع انفعالی تلقی میشد، ارائه نمود. او آموخت که انتظار امام اساساً به معنی جلو انداختن شرایط ظهور او و تلاش در جهت هموار کردن راه چنین ظهوری از طریق برپایی جامعهٔ عادلانه و خدا پرست است.
آنچه از دیگاه شریعتی از مکتب تشیع حایز اهمیت است تلاش اوست در جهت تفسیر این مکتب بگونه ایکه از اغراق گویی و بزرگ نمایی اختلافات اجتناب پذیر موجود بین شیعه و سنی بپرهیزد. در یکی از کتاب های بسیار جالب و مهم خود بنام «تشیع علوی » و «تشیع صفوی» شیوه های قهر آمیز صفویه را در تحمیل شکلی از تفکر شیعی به ایران و در واقع زیرپا نهادن جامعیت میراث تشیع، مورد انتقاد قرار میدهد. منظور شریعتی از انتخاب عنوان مذبور اینست که سلطنت صفوی نوعی "تشیع رسمی" را که در واقع تحریف و مسخ تشیع بود ترویج میکرد، این تشیع در ضدیت با سنی ها تجلی می یافت و به این ترتیب روح تفکر شیعی را نقض می نمود. از سوی دیگر نشان می دهد که در مقابل تشیع صفوی تشیع علوی و یا تشیع اصیل و راستین قرار دارد. بعضی ها بخاطر همین دیدگاه های مشخص شریعتی در بارهٔ تأریخ و تفکر شیعی به او اتهام سنی گری و حتی وهابی گری زدند. باید خاطرنشان ساخت که گرچه اندیشه های شریعتی مورد استقبال عظیم نسل جوان قرار گرفت اما بخشی از جناح های جامعه در برابر او موضع منفی اتخاذ کردند. (صفحهٔ ۱۷۵ و ۱۷٦ نهضت بیدارگری در جهان اسلام از نویسندگان : آ، مراد – حامد حلگار – ن، برک و عزیز احمد. ترجمه، مقدمه، توضیحات، پاورقی ها و پیوست از سید مهدی جعفری. {مترجم}
(٦) من در اینجا با جود کوچکی و عدم داشتن دانش علمی، صرف با داشتن عقل عادی یک انسان عادی با این نظر شیخ جمال الدین افغان با تمام احترام و منزلتی که برایش قایل هستم، موافق نمی باشم، چه به نظر این حقیر هرگز توافقی بین دین و علم، مخصوصاً علوم مثبته وجود ندارد و ابداً نخواهد داشت. تشریح این مبحث هفتاد من کاغذ کار دارد و من صرف شما خوانندگان اندیشمند را به اندیشه در مورد دعوت می کنم. صرف به دو مثال از هزاران مثال اشاره می کنم. (پیدایش زمین که به روی آن زندگی می کنیم و پیدایش انسان خاصتاً پیدایش انسان زن که به نظر علم به هیچ صورت از قبرغهٔ چپ انسان مرد "یا آدم" بوجود نیامده است. . .) و می افزایم که علم و عقیده دو مفهوم کاملاً متفاوت اند. عقیده بیشتر باورمندی است، که مذهبیون به آن اتکاء دارند. قبول و باور نمودن، بدون ثبوت. علم، بمفهوم دانستن یا داشتن معلومات در بارهٔ پدیده ها، بشمول پیدایش کائینات وغیره. دایره و بعد معلوماتی همیشه و بطور سیستماتیک در نتیجهٔ تحقیقات علمی، توسعه می یابد. با توسعه و تعمیق علم، موازی با آن، میتودهای ماهرانه یا بهتر بگوئیم تخنیک بدست آوردن معلومات، قابل باور، که به آن نتایج تحقیقات علمی نیز یاد می کنند، تکثر می بیند.{ولی احمد نوری}
(٦) اختلاف در قرائت (صاد) الصراط است که در سورهٔ فاتحه آمده: «اهدناالصراط» است که در وقت تلاوت قرآن مجید و یا نماز نباید از مخرج آن بیرون شد و (صاد) را (سین) قرائت کرد که البته عوام از این امر مستثنی اند و هم اختلاف در قرائت (دال) مهمله بجای (ضاد) «ولاالضالین» است که باید عوض (ضاد) آن (ظاء) قرائت شود و این اختلاف میان علمای اهل حدیث و علمای دیگر وجود دارد و نیز به جهر گفتن (آمین) بعد از «ولاالضالین» و خفیهٔ آن اختلاف موجود است.{مترجم}
(٦) گالیله اولین کسی بود که کرویت زمین را نظر داد و بر آن پافشاری هم نمود. ولی از طرف کلیسا و بزرگان مذهبی به مرگ محکوم شد."ص ۷۲ مجلهٔ تعاون، میزان و عقرب ۱۳۷۹ش"
(٦) باید آن آیاتی از قرآن که در آنها از زمین سخن رفته دیده شوند. چه در جایی گفته شده که «... که ما آسمان ها و زمین را برای شما در شش روز آفریدیم. . .» و در یکی از آیات آمده است که : «. . . ما زمین را برای شما هموار آفریدیم. . .» و در هیچ جایی از قرآن از (کرویت) و (چرخ) زمین حرفی در میان نیست در حالیکه در علم مثبتهٔ امروزی چنین نمی اندیشد و ادعای شیخ افغان. . .
(٦) هدف شیخ جمال الدین افغان مسائل اجتهادی و فرعی است که به اثر عصر و زمان تغییر می خورند. چنانچه قاعدهٔ فقهی می گوید : نباید از تغییر احکام با تغییر عصر و زمان انکار کرد. چنانچه حضرت عمر(رض) در قضاوت های خود از همین اصل استفاده می کرد و می فرمود: «آن قضاوت را در پرتو شرایط دیروز انجام دادیم و این قضاوت را در پرتو شرایط امروز انجام می دهیم.»
(۷) باب اجتهاد مسدود نیست چنانچه رسول خدا وقتی "معاذ بن جبل" را بحیث قاضی به یمن فرستاد از وی پرسید: «چگونه به قضاوت می پردازی؟»
"معاد بن جبل" عرض نمود: «بر مبنا و اساس هدایات قرآنی قضاوت میکنم.»
باز پیغمبر فرمود: « اگر حکم مورد نظر را در قرآن نیابی چه خواهی کرد؟»
معاذ بن جبل عرض کرد: «با ارشادات و سنت رسول الله حکم صادر خواهم کرد.»
بازهم حضرت پیامبر سوال نمود: «اگر در سنت هم چیزی نیابی دعوی را چگونه حل و فصل می نمایی؟»
معاذ بن جبل محترمانه جواب داد: «از اجتهاد کار می گیرم و سطحی نمی گذرم بلکه می کوشم.»
پیغمبر اسلام برای تأئید با دست شان بر سینهٔ معاذ زد و فرمود: «ثنا و صفت خداوند را می زیبد که نمایندهٔ پیامبر را توفیق می دهد چیزی بگوید که موجب رضای خداوند و رسول او می باشد.{مترجم}»
(۸) آیهٔ چهار سورهٔ ابراهیم. "ترجمه: ما هیچ پیامبری نفرستادیم مگر به زبان قومش"
(۹) آیهٔ دو سورهٔ یوسف. "ترجمه: ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم تا شما در معنی و مفهوم آن عقل خود را بکار بیاندازید."
(۱۰) شیخ جمال الدین افغان : ذکریات و احادیث صفحات ۹۵ تا ۱۰۰
(۱۱) پروتستان عنوان نهضت دینی در عالم مسیحیت بود که در قرن شانزدهم میلادی با اصلاح دینی آغاز گردید. لفظ "پروتستان" (protestant) به معنی معترض است و بار اول به چند تن از امرای امپراتوری مقدس روم اطلاق شد که

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

در مقابل تصمیم ۱۵۲۹ مجلس شوری دائر بر منع هرگونه تجدد دینی رسماً اعتراضنامه ای صادر گردید. آئین پروتستانت اصول آزادی فردی در امور دینی و دنیایی، قضاوت شخصی و تساهل دینی را در مقابل اطاعت از سنن و مقامات رسمی دینی در بر دارد.{دایرة المعارف دری جلد اول صفحهٔ ۵۳۵. همچنین میتوان گفت که آئین پروتستانت یک نوع اعتراضی بوده که در مقابل دیکتاتوری ها و استبداد نامحدود اربابان کلیسا بوجود آمده است.

پایان

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولـئ